

بررسی و نقد گروه دال بر نفی شایستگی زنان به دلیل برخی ویژگیها (گروه پنجم)¹

بررسی سندی و موقعیت صدور

در این بخش، برخی روایات وجود دارد که به دلیل مخالفت قطعی آن ها با ضوابط و محکمت شرع، باید کنار گذاشته شود؛ نظیر آن چه در مستدرک الوسائل از تحفة الاخوان نقل گردید.² و این تازہ بر فرض روایت بودن متن از معصوم - علیه السلام - و اعتبار سند آن است.

مشهورترین روایات، این باب روایات نقص عقل زنان است که بر اساس موازین رجال شیعه از سندی معتبر برخوردار نیستند؛ به عنوان مثال اولین روایت از این گروه هر چند توسط محمدون ثلاث نقل گردیده است، لکن روایت در کافی و فقیه مرسله و تهذیب از جناب کلینی با همان وصف ارسال نقل شده است.³

روایت دوم از جناب صدوق مرسله است؛⁴ هر چند بر مبنای اعتبار این گونه ارسال های شیخ صدوق - به ویژه با انتساب قطعی به معصوم - علیه السلام - توسط ایشان - روایت معتبر می شود، لکن این مبنا قابل قبول نیست.

سطوت نقل روایات نقصان عقل در متون حدیثی عامه به گونه ای که در گذشته⁵ بیان کردیم، می تواند علت یا یکی از علل راه یافتن این روایات به متون حدیثی شیعه باشد!

بودن چنین روایاتی در متون عامه هم با نگاهی که عمر بن خطاب به زن داشت، صحت صدور این روایات را در ضیق و شداد قرار میدهد.

بودن روایت مبین نقص عقل در نهج البلاغه - که قبلا به آن اشاره شد⁶ - ضمن نداشتن سند⁷، می تواند بر پایه جدل باشد که وقتی چنین مطالبی در گفتگو و گفتمان دینی شما وجود دارد پس راه افتادن به دنبال عایشه چه توجیه دارد؟! این احتمال از این روی داده می شود که این سخنان با فراغ از جنگ جمل، صادر شده است.

1. ص 191 و 192.

2. ر.ک : ص 192.

3. ر.ک : الوسائل، ج 20، ابواب مقدمات النکاح، باب 4، ص 24 و 25، ح 1.

4. همان، ص 25، ح 3.

5. ص 191 و 192.

6. ص 191.

7. برخی در این باره گفته اند :

«مؤلف مصادر نهج البلاغه و اسانیدها سه منبع را برای خطبه 80 (مطابق برخی نسخ خطبه 79 است) ذکر کرده است: 1. تذکرة الخواص (سبط ابن جوزی)؛ 2. قوت القلوب (اباطالب المکی)؛ 3. فروع کافی (کلینی) این حدیث در کتاب خصائص الائمة (ع) و عیون الحکم و المواعظ با اندک تفاوتی گزارش شده است و در همه منابع مرسل است فراز نخست خطبه 80: « معاشر الناس، إن النساء نواقص الايمان، نواقص الحظوظ، نواقص العقول» فاقد سند روایی است، حتی در بررسی و واکاوی روایات به روایتی که سند صحیح داشته باشد و متضمن معنای فراز نخست خطبه 80 باشد، برنخوردیم و تنها روایتی از امیرمؤمنان که به این فراز اشاره دارد و سند آن مذکور است، روایت امتحان الاوصیا می باشد که حضرت ماجرای جنگ جمل را برای رهبر یهودیان بیان می فرماید. در این جا لازم است این روایت را بررسی کنیم». بررسی فقهی مدیریت زنان در مناصب سیاسی، ص 206.

البته مطابق برخی نقل‌ها بعد از واقعه نهروان نیز حضرت - علیه السلام - اشارتی به مفاد فوق با تعبیر «و تحکیم النساء النواقص العقول و الحظوظ» دارند، که باز هم مشیر به فتنه جمل و اصحاب آن است.⁸

این نقل نیز از سند معتبر برخوردار نیست.⁹

بقیه روایات مورد اشاره نیز از وضعیت بهتری برخوردار نیست. ضمن این که شهرت روایات نقص عقل را ندارد.

روایات نقص و شهرت جابر

واضح است که نقل‌های متعدد نمی‌تواند راهنما به شهرت جابری باشد که اطمینان به صدور آورد.

مشکلات دیگر در مسیر قبول صدور

مشکلی که به نظر ما نمی‌توان از آن گذشت و صدور روایات دال بر نقص عقل زنان را از معصوم - علیه السلام - مشکل می‌سازد عدم تناسب بین علت و معلول مذکور در این روایات است! زیرا در هر روایتی تا وقتی تعلیلی بیان نگردیده، روایت با فرض اعتبار، صادر از معصوم - علیه السلام - فرض می‌شود و با شرایط خاص خودش باید تلقی به قبول گردد ولی وقتی با تعلیل و توضیح همراه می‌شود، رابطه‌اش با معصوم - علیه السلام - قطع می‌شود؛ زیرا تعلیل به امر تعبدی یا غیر قابل فهم یا برخلاف موازین، خلاف اصل - بلکه در مواردی غیر قابل قبول - است و این واقعه در این روایات رخ نموده است.

در این روایات گفته می‌شود: زنان به دلیل عادت ماهانه ناقص‌الایمان هستند؟ بین حیض و نقص ایمان چه رابطه‌ای است؟ به چه مناسبت به ترک عبادت به دستور شارع نقص ایمان می‌گویند؟!

ضمناً زنان بعد از یائسگی قهراً نقص ایمان ندارند!

این وضعیت در نقص عقل هم پیش می‌آید؛ با این توضیح:

8. خصال صدوق، ج 1، ص 317، شماره 764؛ الاختصاص (از شیخ مفید ره در موسوعه، ج 12)، ص 176.

9. ر.ک: بررسی فقهی مدیریت زنان ...، صص 207 - 210.